

آسیب شناسی

طلاق

✓ دکتر جلال شیرزاد

متخصص پزشکی قانونی و اسنادیاردانشگاه علوم انتظامی

✓ دکتر امیر محمد کاظمی فر

متخصص پزشکی قانونی و مدیرکل پزشکی قانونی استان همدان

مقدمه:

اجتماعی و بزهکاری اجتماعی، بدون تأثیر مقطعی این پدیده عنوان نشده است. بر طبق آمار موجود در سال ۱۹۷۷ از هر دو ازدواج در آمریکا یک ازدواج به طلاق منجر شده است. متأسفانه در جامعه ما نیز شمار جدایی زن و شوهرها رو به افزایش است. نرخ طلاق در کل کشور طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۹ از ۶/۳ در ده هزار به ۸/۵ در ده هزار افزایش یافته است. اما چگونه است زوجی که روزی با عشق و تمایل فراوان با یکدیگر ازدواج کرده‌اند، در زندگی مشترک به نقطه‌ای می‌رسند که جدایی از هم را تنها علاج مشکل خود می‌یابند؟ شرایط نامساعد ازدواج و تشکیل زندگی بر اساس موارد غیر معقول و غیر منطقی، از آغاز طلاق را در بطن خود دارد. به نحوی که وقوع آن از همان ابتدا قابل پیش‌بینی است، حتی اگر به عللی زندگی زناشویی تدوام یابد و به انحلال خانواده منتهی نشود، مصداق اصطلاح سوختن و ساختن خواهد بود.

در متون مختلف دین مبین اسلام ذکر شده که زن و مرد برای یکدیگر آفریده شده‌اند، پیوند آن‌ها که همانا ازدواج است دارای فواید مختلف جسمی، روانی، تکاملی، اجتماعی و دینی است تا بدان حد که در احادیث بانصاف دین برابر شمرده شده است. پس از آنکه پیوند زن و مرد طبق آیین و قرارداد‌های رسمی و عرفی برقرار می‌شود، چنانچه طرفین نتوانند به دلایل گوناگون شخصیتی، محیطی و اجتماعی با یکدیگر زندگی کنند، به ناچار باید طبق مقررات و ضوابطی از هم جدا شوند و این حق را دارند که شاید دوباره تصمیم بگیرند تا جفت مناسب و در خور خویش بیابند.

طلاق در زمره غم‌انگیزترین پدیده‌های اجتماعی است. طلاق همان‌طور که بر جامعه آثار شومی بر جای می‌گذارد، تعادل انسان‌ها را نیز ناپایدار می‌سازد. به درستی می‌توان گفت هیچ‌گاه مطالعه آسیب‌شناسی اجتماعی، انحرافات

چکیده:

زمینه: طلاق در زمره غم‌انگیزترین پدیده‌های اجتماعی است که متأسفانه مطالعات متعدد در کشور ما نشان داده، آمار طلاق در حال افزایش است. طلاق دارای علل متعدد است و هرگز یک علت رانمی‌توان به عنوان علت اصلی طلاق در نظر گرفت. با توجه به اهمیت موضوع بر آن شدیم تعیین فراوانی علل اصلی طلاق را مورد بررسی قرار دهیم، تا شاید راهکاری مناسب جهت کاهش آن در نظر گرفته شود. روش‌ها: در طی سال ۱۳۷۹ از ۴۱۱ زوجی که جهت طی مراحل قانونی طلاق به پزشکی قانونی استان همدان مراجعه کردند، از طریق مصاحبه بالینی و تکمیل پرسشنامه، اطلاعاتی جمع‌آوری شد و سپس داده‌ها در نرم‌افزار مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

یافته‌ها: شایع‌ترین علل طلاق در این مطالعه شامل: پایین بودن سطح سواد زوجین، شهرنشینی، اعتیاد، نبودن بچه، بیکاری و فقر اقتصادی و پایین بودن سن زوجین در زمان ازدواج است. در این مطالعه در ۵۰٪ پرونده‌ها مسئله اعتیاد وجود داشته که متأسفانه نسبت به مطالعات گذشته افزایش آماری چشم‌گیری داشته است. نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه همانند مطالعات قبلی نشان داده که طلاق دارای علل و ابعاد گوناگونی است که با شناخت دقیق علل آن‌ها و برنامه‌ریزی لازم در این زمینه‌ها، به ویژه طرح آن‌ها در مشاوره‌های قبل ازدواج، می‌توان از میزان بروز طلاق کاست. از طرفی با توجه به فقر اقتصادی شدیدی که گریبان‌گیر خانواده‌ها و به ویژه زنان بعد از طلاق می‌شود، باید از طرف سازمان‌های حمایتی، این افراد تحت حمایت قرار گیرند.

واژگان کلیدی: اجتماعی، طلاق، ازدواج



از این روشناخت علل جدایی می تواند در برنامه ریزی جهت مشاوره های قبل از ازدواج و پیش گیری از طلاق به کار گرفته شود. با توجه به معضل بزرگ طلاق و اثرات آن بر روی تمام افراد جامعه، هدف از انجام مطالعه حاضر شناسایی علل منجر به طلاق از دیدگاه نزدیک ترین فرد به ماجرا یعنی یکی از زوجین است.

روش تحقیق:

این مطالعه به صورت آینده نگر و مقطعی بوده و به مدت یک سال از فروردین ۱۳۷۹ لغایت اسفند همان سال در پزشکی قانونی استان همدان انجام شد. زوجینی که جهت انجام مراحل قانونی طلاق و صدور گواهی عدم امکان سازش، به دادگاهها مراجعه می کنند، در اکثر قریب به اتفاق پس از اتمام مراحل قانونی، جهت انجام آزمایش بارداری و اطمینان از عدم بارداری زن به پزشکی قانونی معرفی می شوند. از این رو مراکز پزشکی قانونی یکی از مکان های مناسب جهت مواجهه با افراد در معرض طلاق و مطالعه بر روی آنها است. در طی سال ۱۳۷۹ کلیه مراجعینی که جهت انجام آزمایش حاملگی با هدف طلاق به مراکز پزشکی قانونی استان همدان مراجعه کرده بودند، از طریق یک پرسش نامه، اطلاعات مربوط به سن، طول مدت زندگی زناشویی، تعداد فرزندان، شغل زوجین، علت اقدام به طلاق و میزان درآمد خانواده جمع آوری شد. بر اساس آمار اداره ثبت احوال استان همدان در سال ۱۳۷۹ تعداد ۱۸۸۲۴ مورد ثبت ازدواج و ۱۵۰۱ مورد طلاق صورت گرفته است. پس می توان نتیجه گرفت بیش از یک چهارم اقدام کنندگان به طلاق در آن سال در مطالعه ما شرکت کرده بودند.

پس از جمع آوری پرسش نامه ها، اطلاعات از طریق نرم افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

در طی مدت انجام مطالعه، مجموعاً ۴۱۱ نفر پرسش نامه را پر کرده و در مطالعه شرکت کردند. از نظر فراوانی ماهیانه درخواست طلاق، حداقل موارد در اسفند ماه (۱/۷٪) و حداکثر موارد در

مرداد ماه مشاهده شد (۱۵/۶٪). میزان مراجعه برای درخواست طلاق در حوالی سال نو به طور محسوسی کاهش می یافت. میانگین سن خانمها در زمان ازدواج ۱۸/۸۳ سال با انحراف معیار ۶/۳۱ و میانگین سنی آنها در زمان طلاق ۲۵/۵۸ سال با انحراف معیار ۸/۲۹ بود. در آقایان میانگین سنی در زمان ازدواج ۲۵/۳۱ سال با انحراف معیار ۷/۵۶ و میانگین سنی در زمان طلاق ۳۱/۸۱ سال با انحراف معیار ۹/۳۱ بود. طول مدت زندگی زناشویی از زمان ازدواج تا زمان درخواست طلاق ۶/۷۲ سال با انحراف معیار ۶/۳۷ محاسبه شد. ۷۱/۲ درصد از افراد مورد مطالعه ساکن شهرها و ۲۸/۷ درصد از آنها ساکن روستا بودند. ۱۹۶ نفر از زوجین (۴۷/۶٪) در زمان درخواست طلاق فاقد بچه و ۵۲/۴ درصد از آنها حداقل دارای یک بچه بودند. از نظر اشتغال زنان نیز، ۳۴۸ نفر (۸۴/۶٪) خانه دار بوده و تنها ۱۵/۴٪ آنها شاغل بودند. نمودار شماره یک وضعیت اشتغال شوهران این تحقیق را نشان می دهد. میزان درآمد خانواده ها در ۱۹/۶٪ خیلی کم، در ۲۸/۲٪ موارد کم، در ۳۱/۶٪ متوسط، در ۱۶/۱٪ خوب و فقط در ۰/۷٪ خیلی خوب عنوان شده است.

در ۵۷ پرونده (۱۳/۸٪) مرد خواهان طلاق بوده و در ۱۹۴ پرونده (۴۷/۲٪) زن شروع کننده طلاق بوده است. در ۱۶۲ پرونده (۳۹/۴٪) هر دو نفر درخواست طلاق کرده بودند. بر اساس گفته زنان، ۱۸۱ نفر دارای شوهران معتاد بودند که میانگین مدت اعتیاد ۶/۸۷ سال

(با انحراف معیار ۴/۶۵) بوده و ۴۳/۶ درصد از زنان از سابقه زندانی بودن همسران خود آگاه بودند که علت زندانی شدن آنها به ترتیب شیوع عبارتند از: اعتیاد (۵۲/۴٪)، ضرب و جرح (۱۵/۳٪)، قاچاق (۱۳/۵٪)، بدهکاری مالی (۶/۵٪)، ترک نفقه (۴/۷٪)، و مسایل منکراتی (۲/۴٪). نتایج به دست آمده در مورد تحصیلات زوجین نشان می دهد که عمدتاً سطح تحصیلات زوجین در حد راهنمایی و کمتر بوده است.

۲۲۷ زن (۵۵/۲٪) از سابقه وقوع مشاجره لفظی منجر به کتک کاری خبر داده اند. از این میان ۱۷۸ نفر گزارش کردند که این حادثه ناگوار، بسیار زیاد (بیش از ۱۰ بار) در زندگی آنها رخ داده است. فرد کتک زنده در ۱۴۲ مورد همسر و در ۲۰ مورد همسر و خانواده او را به صورت توأم مورد حمله قرار داده بود.

در پرسش نامه از زنان پرسیده شد عامل معرفی و آشنایی با همسرشان چه کسی بوده است. ۱۳۸ نفر از آنها فامیل خود را معرفی کردند، در ۱۲۰ مورد دوستان و در ۹۴ مورد والدین عامل آشنایی بودند و تنها در ۴۹ مورد عامل آشنایی خود زن بوده است.

سابقه اختلاف خانوادگی در والدین زن در ۹/۹ درصد موارد مثبت گزارش شده است. در ۱۲/۶ درصد، در افراد خانواده ای زن سابقه جدایی و طلاق وجود داشته است. این میزان در خانواده شوهر در ۳۱/۸ درصد موارد بوده است. در هر دو

طلاق پدیده ای دقیقاً اجتماعی و چند عاملی است، از این رو هرگز، نه با یک عامل پدید می آید و نه با یک عامل از بین می رود. برخی از موارد ممکن است به طور بالقوه طلاق را باعث شوند، آنان نمی توانند به جدایی منتهی شوند.

طلاق در زمره غم‌انگیزترین پدیده‌های اجتماعی است. طلاق همان‌طور که بر جامعه آثار شومی بر جای می‌گذارد، تعادل انسان‌ها را نیز ناپایدار می‌سازد.

و احتمال طلاق بالا می‌رود.

در بررسی انجام شده مشخص شد که حدود ۴۲ درصد جمعیت استان همدان شهرنشین هستند. در حالی که ۷۱/۲ درصد از افراد مورد مطالعه این تحقیق ساکن شهرها بودند. در واقع همان‌طوری که در این تحقیق و تحقیقات مشابه گذشته نشان داده شده، شهرنشینی یکی از فاکتورهای مهم بروز طلاق است. اصولاً شهرنشینی در همه جا با بسط بحران طلاق همراه است چرا که شهرنشینی از خصوصیات بر خوردار است که خواه ناخواه بر روابط انسانی تأثیر می‌گذارد.

همواره در اکثر منابع و تحقیقات گذشته، یکی از عوامل طلاق را نبودن بچه در خانواده ذکر می‌کنند و در این تحقیق نیز متوجه شدیم قریب به پنجاه درصد خانواده‌ها که در این تحقیق شرکت کردند، فاقد بچه بودند. بر اساس آمار موجود میزان طلاق در خانواده‌های چند فرزندی (بیش از سه فرزند) کمتر بوده که متأسفانه این موضوع در این مطالعه مورد بررسی قرار نگرفته است. از طرف دیگر معضل بزرگ دیگری که در اینجا خودش را نشان می‌دهد بچه‌های طلاق هستند. همان‌طور که از این آمار بر می‌آید در استان همدان سالیانه حدود ۷۵۰ بچه از نعمت حضور یکی از والدین محروم می‌شوند و معلوم نیست چند نفر از آن‌ها دچار عوارض بعدی مثل بزهکاری خواهند شد. جالب آنکه در حدود نیمی از موارد در خانواده یکی از زوجین سابقه طلاق وجود داشته است. در روند طلاق آنچه که دیگر نامی از آن نمی‌ماند و بی‌پناه و متزلزل می‌شود فرزند و یا فرزندان هستند و اغلب آنان دچار جراحات عاطفی می‌شوند و از این رو موجبات خسران اجتماعی را فراهم می‌سازند. بنابر گفته دکتر حمیدیان، سرپرست مجتمع قضایی خانواده تهران «۸۰ درصد جمعیت کانون اصلاح و تربیت مربوط به همین امر است، یعنی آن‌ها بچه‌های طلاق هستند.

"دکتر تابیر" در کتاب "بچه‌های طلاق" می‌نویسد:

مشابه گذشته نیز دیده شده است. علق شایع طلاق عبارتند از:

فقر، اعتیاد، بی‌سوادی و کم‌سوادی، پایین بودن سن ازدواج، شهرگرایی و رشد صنعت، عدم علاقه، عدم شناخت کافی از یکدیگر و بی‌فرزندگی و کم‌فرزندگی

یکی از علت‌های طلاق که در این تحقیق به آن پرداخته شد، پایین بودن سن زوجین است. میانگین سنی زوجین در هنگام ازدواج به ویژه برای خانم‌ها که حدود ۱۸ سال است موید دخالت کمی سن ازدواج در حدوث طلاق است. اگر مرد و زن کم سن و سال باشند، ناسازگاری‌ها بعد از اطفاء شهوتشان بیشتر می‌شود، به خصوص برای زنانی که زیر سن بلوغ ازدواج کرده‌اند.

آیا ازدواج‌هایی که در سنین پایین صورت می‌گیرد بیشتر به طلاق منجر می‌شود؟

در پاسخ به این سؤال "ریچارد اوردی" در اثر معروفش می‌نویسد:

آنان که زودتر ازدواج می‌کنند زودتر به طلاق متوسل می‌شوند. شاید بدان علت که آنان که دیر ازدواج می‌کنند از ازدواج انتظار یا توقع زیادی ندارد و به همان علت نیز تمایل به تسریع در انحلال آن ندارند. بنابراین همان‌طور که در این تحقیق متوجه شدیم یکی از فاکتورهای مهم در طلاق کم بودن سن زوجین است، چرا که برای ازدواج علاوه بر بلوغ جسمانی زوجین نیاز به آمادگی ذهنی نیز است و اگر این دو شرایط وجود نداشته باشد وضعیت مطلوب و لازم فراهم نیامده

دسته خواهر زوجین بوده که قبلاً طلاق گرفته بودند.

بحث: طلاق را از مهم‌ترین پدیده‌های حیات انسانی تلقی می‌کنند. این پدیده دارای اضلاعی به تعداد تمامی جامعه انسانی است. نخست آنکه طلاق یک پدیده روانی است چرا که بر تعادل روانی نه تنها انسان بلکه فرزندان، بستگان، دوستان و نزدیکان آنان اثر می‌نهد. دوم آنکه پدیده‌ای است اقتصادی، سوم آنکه طلاق پدیده‌ای است مؤثر بر تمامی جوانب جمعیت در یک جامعه؛ زیرا از طرفی بر کمیت جمعیت اثر می‌نهد. چون یک واحد مشروع و اساس تولید مثل یعنی خانواده را از هم می‌پاشد، از طرفی دیگر بر کیفیت جمعیت اثر دارد، چون موجب می‌شود فرزندان محروم از نعمت خانواده تحویل جامعه شوند. نهایتاً اینکه طلاق یک پدیده فرهنگی است.

بر طبق مندرجات نشریه «tatisyics System principles Fovavital»

ازدواج به معنی «پیوند قانونی دو شخص از دو جنس مخالف» و طلاق بدین صورت تعریف شده است: طلاق عبارتست از انحلال نهایه و قانونی یک ازدواج، یعنی جدایی زن و شوهر بر اساس حکم دادگاه، که به هر دو آن‌ها حق قانونی و یا مذهبی ازدواج مجدد را بر اساس قوانین هر کشور می‌دهد.

همان‌طور که در تحقیق مشخص شد، طلاق دارای علل مختلفی است و این مهم در تحقیقات

بچه‌هایی که تحت کنترل مؤثر بار نیامده‌اند، نمی‌توانند مثل آن‌هایی که روش تربیتی صحیح داشته‌اند، خود را با زندگی بعد از طلاق سازش دهند.

بر اساس نتایج این مطالعه حدود نیمی از شوهران زوجین که طلاق گرفتند از درآمد کافی برخوردار نبودند. بنابراین فقر اقتصادی یکی از علت‌های مهم طلاق محسوب می‌شود. ناپایداری در طبقات فقیر بیشتر از طبقات دیگر جامعه است، چرا که سختی اقتصادی مرد را تحت فشار قرار می‌دهد و او را به برهم زدن زندگی خانواده مجبور می‌کند. نکته دیگری که باید به آن توجه کرد، فقر اقتصادی شدید زانی است که از شوهر خود جدا می‌شوند. اکثر زانی که در این مطالعه شرکت کردند فاقد شغل خارج از منزل بودند، چنانچه این نکته را با فقر اقتصادی حدود نیمی از خانواده‌های مورد مطالعه، در نظر بگیریم، متوجه می‌شویم که اکثر قریب به اتفاق این موارد پس از طلاق، بیش از پیش با فقر اقتصادی پنجه در می‌افکنند و باید سازمان‌های حمایتی نظیر بهزیستی و کمیته امداد آنان را تحت پوشش قرار دهند.

اعتیاد یکی از علت‌های مهم طلاق محسوب می‌شود که به این موضوع در مطالعات قبلی نیز اشاره شد. ولی در مطالعات قبل اعتیاد تنها در ۱۸ درصد پرونده‌های طلاق دیده شد. ولی در این مطالعه در حدود نیمی از شوهران در دام اعتیاد گرفتار بودند. لذا نقش اعتیاد در بروز طلاق غیر قابل انکار است. از طرفی اعتیاد خود عواقبی همچون بزه‌کاری، حبس و از دست دادن درآمد را به دنبال دارد که هر یک از این‌ها خود می‌تواند سبب طلاق شود.

قریب به یک سوم زوجین دارای تحصیلات ابتدایی و مجموعاً بیش از دوسوم آن‌ها تحصیلات راهنمایی یا کمتر داشتند. مشابه این مطالعه در تحقیق دیگری که به عمل آمده نیز نشان داده شده که میزان سواد متغیر مهمی در بهبود یا وخامت عملکرد خانوادگی می‌تواند تلقی شود. به عبارتی هر چه سطح تحصیلات زوجین بالاتر باشد،

واکنش آنها به موقعیت‌های زندگی با احساسات مناسب‌تری همراه است و از توانایی حل مشکلات خانوادگی به میزان بالاتری برخوردارند. بدینسان به نظر می‌رسد سواد همانند یک عامل آگاهی بخش عمل می‌کند، بی‌سوادی و مرزهای نزدیک به آن بالاترین نسبت طلاق را فراهم می‌سازند.

در نهایت باید گفت طلاق پدیده‌ای دقیقاً اجتماعی و چند عاملی است، از این رو هرگز، نه با یک عامل پدید می‌آید و نه با یک عامل از بین می‌رود. برخی از عناصر ممکن است به طور بالقوه طلاق را باشند (فقر، بی‌سوادی، بدگمانی، کمی سن....) اما هرگز آنان نمی‌توانند به تنهایی جدایی را موجب شوند. گفته می‌شود فقر، جهل و ناآگاهی، عوامل مؤثر بر طلاق هستند، اما تمامی فقر و بی‌سوادی همسران خود را طلاق نمی‌دهند. باید عوامل یا عناصر دیگر با پدیده پیامیزد تا از آن طلاق برخیزد.

بر اساس یافته‌های این مطالعه کمی سن، شهرنشینی، بی‌کاری، اعتیاد و فقر فرهنگی و اقتصادی از جمله عوامل مهمی هستند که در بروز طلاق نقش دارند و با برنامه‌ریزی‌های دقیق در این زمینه‌ها می‌توان از بروز این مسأله اجتماعی کاست. لذا پیشنهاد می‌شود که:

۱- از آنجایی که بیشترین افراد در گروه‌های سنی جوان (به ویژه در خانم‌ها) و بیشترین در صدها نیز شهرت‌نشین هستند، لذا جهت آموزش و آگاهی یافتن زوجین نسبت به مسوولیت پذیری در خانواده‌ها، نیاز به اجرای برنامه‌های آموزشی از طریق وسایل ارتباط جمعی از جمله رادیو و تلویزیون است.

۲- از آنجایی که بیش از ۵۰ درصد خانواده‌ها حداقل دارای یک فرزند می‌باشند. توصیه می‌شود که با اجرای برنامه‌های آموزشی والدین را از عواقب نامطلوب این مسأله اجتماعی آگاه کرده تا با گذشت در زمینه مسایل کوچک از بروز طلاق جلوگیری شود.

۳- با توجه به سطح سواد زوجین در این تحقیق، اجرای برنامه‌های آموزشی جهت افزایش

سطح سواد جامعه جهت پیشگیری از وقوع طلاق لازم است.

۴- اعتیاد به مواد مخدر یکی از عوامل عمده ناسازگاری و طلاق است. بنابراین برنامه‌ریزی دقیق در زمینه کنترل این مشکل اجتماعی لازم است.

۵- با توجه به بیکاری و درآمد ناکافی اکثر زوجین مورد مطالعه در این تحقیق، توصیه می‌شود با برنامه‌ریزی اجتماعی - اقتصادی میزان درآمد خانواده‌ها با توجه به هزینه زندگی افزایش یابد.

منابع:

- ۱- دکتر فرج‌نور، م. ح؛ آسیب شناسی اجتماعی، ستیزهای خانواده و طلاق؛ تهران: نشر منصور؛ ۱۳۷۲.
- ۲- روزنامه کیهان، شماره ۱۶۰۱۸؛ مورخه ۷۶/۶/۹.
- ۳- امیر خسروی، مرور مقدماتی آمارهای طلاق ده ساله اخیر کشور؛ فصلنامه علمی پژوهشی جمعیت؛ ۱۳۵۰؛ شماره ۳۵ و ۳۶؛ ۳۰-۳۲.
- ۴- صفایی، ریشه‌های طلاق و درس‌های خوشبختی؛ تهران: انتشارات مؤلف؛ چاپ دوم؛ ۱۳۷۳.
- ۵- دکتر ساروخانی، طلاق پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن؛ انتشارات دانشگاه تهران؛ ۱۳۷۶.
- 6_A review of statistics on Divorce in Iran, www.NETIRAN.com
- 7_Udry; Social conternt of Marriage; New york; Lippincott,G 1971.
- ۸- خانم صدیقی، م؛ زن در آینه آمار؛ تهران: انتشارات تبلیغات اسلامی؛ ۱۳۷۹.
- ۹- فیضی، ح؛ تأثیر طلاق این حلال نفرت انگیز بر روی کودکان؛ ماهنامه اجتماعی فرهنگی آموزشی اصلاح تربیت؛ ۱۳۸۲ شماره ۱۷؛ ۷-۶.
- ۱۰- دکتر تابیر، بچه‌های طلاق (ترجمه توراندخت تمدن)؛ تهران؛ نشر واحدی؛ ۱۳۷۷.
- ۱۱- دکتر صابری، م. بهادری، ف؛ بررسی مقایسه‌ای وضعیت خانوادگی خانواده‌های غیرمطلقه و خانواده‌های در حال طلاق مراجعه کننده به سازمان پزشکی قانونی کشور در سال ۱۳۷۷؛ طرح تحقیقاتی معاونت پژوهشی سازمان پزشکی قانونی کشور.